



جشنواره یازدهم فیلم فجر؛ سینمای ایران در بروز انتخاب راه

بیژن اشتری

زعم خود «آخرین فیلم ارزان» خود را بسازند. نتیجه ناگزیر چنین تفکری افزایش کمی فیلمها، و در پی آن ظهور بسیاری از سینماگران و فن‌آوران جوان این صنعت بوده است که یقیناً می‌تواند سرمایه ارزشمندی برای سینمای کشور باشد.

با نگاهی گذرا به مجموعه فیلمهای ایرانی به نمایش درآمده در جشنواره یازدهم درمی‌یابیم که دغدغه‌های اقتصادی سرمایه‌گذار فیلم و اعتقاد به «تجاری بودن فیلم» کاملاً بر کیفیت فیلمها تأثیر داشته است. بخش قابل توجهی از فیلمسازانی که پیش از این کمتر به ساختن فیلمهای صرفاً تجاری تن می‌دادند، ظاهراً پذیرفته‌اند که ادامه حیات حرفه‌ای آنها و نیز صفت سینمای ایران بسته به تولید فیلمهایی است که خیل تماشاگران را به سینماها بکشاند. فیلم افعی ساخته محمد رضا اعلامی نمونه‌ای از همین سینماگران و فیلمهاست. افعی بوضوح کپی برداری از یک فیلم تجاری پر فروش خارجی است و به اعتقاد عده‌ای راه برون رفت سینمای ایران از بحران اقتصادی فعلی را فیلمهایی از همین دست نشان می‌دهند. با ملاحظه چنین نقطه نظرانی که کم و بیش مورد تأیید همه دست اندکاران صنعت سینمای ایران نیز قرار گرفته، متأسفانه چنین برمی‌آید که باید در سال آتی و سالهای پیش رو، شاهد نزول کیفی فیلمها و در مقابل رونق گرفتن تولید

یازدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر از ۱۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۷۱ با نمایش ۶۵ فیلم بلند و کوتاه ایرانی، ۱۵۰ فیلم بلند و کوتاه خارجی از ۳۵ کشور جهان در ۱۶ سالن سینما و در ۱۲۵۵ سانس به کار خود خاتمه داد. جشنواره یازدهم از پاره‌ای جهات با دوره‌های قبلی جشنواره فیلم فجر متفاوت بود.

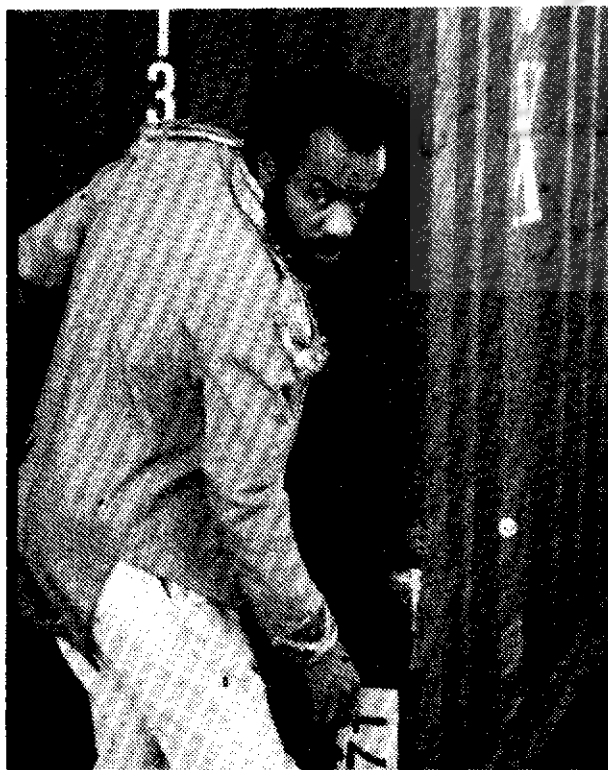
اختصاص یک سالن سینما برای دست اندکاران مطبوعات، برگزاری جلسات بحث و گفتگو میان فیلمسازان و روزنامه‌نگاران، رزرو کامپیوتری بلیط برای خبرنگاران و نویسندگان سینمایی، و بالاخره شروع زود هنگام فیلمها از ۱۰ بهمن ماه برای نویسندگان مطبوعات از جمله این ویژگیها بودند. اما، از همه مهمتر جشنواره یازدهم، یک ویژگی استثنایی داشت و آن شرکت ۵۷ فیلم بلند ایرانی در دو بخش مسابقه‌ای جشنواره بود: «بخش مسابقه اصلی» و «بخش مسابقه فیلمهای اول و دوم».

افزایش کمی فیلمهای ایرانی جشنواره یازدهم مبین این نکته است که صنعت سینمای کشور در سال ۱۳۷۱ بر فعالیت خود در زمینه تولید فیلم افزوده است. ظاهراً شرایط متفاوت اقتصادی سال ۱۳۷۲ و شایعه قطع سوسیدهای دولتی برای صنعت سینما سبب شده تا سرمایه‌گذاران سینمایی از «آخرین فرصت دوران سوسیدی» نهایت استفاده را بکنند و به



جهانگیر الماسی در نمایی از آذرخش

○ مستقدین غربی «ریت ویت کاتاگ» را یک «نشو - نشورنالیست» یا «فرامدرن» لقب داده‌اند و این برچسبی است بر پیشانی فیلمسازی که همواره در تلاش بوده تا با آوردن نمادگرایی اسطوره شناسانه و فرهنگ مردمی و سنت‌های موسیقایی هندوستان در کنارهم، پرسشهای اساسی را دربارهٔ هویت، ملت، نژاد و طبقه مطرح نماید.



نمایی از بیا با من

فیلمهای تجاری بی محتوا باشیم؛ جشنوارهٔ یازدهم را می‌توان مقدمه‌ای بر این گرایش تازه قلمداد کرد.

هیأت داوران جشنوارهٔ یازدهم، داوری هر دو بخش مسابقه را به عهده داشتند. هیأت داوران فیلم از کرخه تا راین ساختهٔ ابراهیم حاتمی کیا را به عنوان بهترین فیلم جشنواره معرفی کرد. از کرخه تا راین بیانگر ذهنیت یک رزمندهٔ جنگ تحمیلی در دوران جنگ و روزهای پس از خاتمهٔ جنگ است. ویژگی فیلم، جدای از تکرار و تکمیل مضمونهای محوری حاتمی کیا در دو فیلم دیده بان و مهاجر، نگاه واقمگرایانهٔ فیلمساز به روابط متقابل ایران و غرب است و مبین پرهیز وی از پذیرش قالبهای رایج.

فیلم سایه‌های هجوم، اولین کار حرفه‌ای احمد امینی، به عنوان بهترین فیلم اول و دوم معرفی شد. این فیلمساز که خود یکی از برجسته‌ترین منتقدان سینمایی کشور است، با موفقیت از عهدهٔ ساختن فیلم برآمده است. سایه‌های هجوم همانند از کرخه تا راین از مضمونی جنگی برخوردار است. ساختار حرفه‌ای فیلم را باید بیش از هر چیز مدیون موسیقی خوب، فیلمبرداری و صدابرداری استادانهٔ آن دانست. داستان فیلم دربارهٔ روابط اعضای یک خانوادهٔ ایرانی در هنگامهٔ اولین روز جنگ در منطقه‌ای نزدیک به مرز ایران و عراق است.

سایه‌های هجوم عنوان بهترین فیلم اول و دوم را با فیلم بر بال فرشتگان ساختهٔ جواد شمقدری سهیم بود. بر بال فرشتگان با بیان داستانی دربارهٔ مردی که رابطهٔ خود را با برادر شهیدش به یاد می‌آورد، حکایتگر خاطرات شخصی فیلمساز از دوران جنگ تحمیلی است.

بدین ترتیب، سه فیلم برتر جشنوارهٔ یازدهم در ژانر سینمای جنگ قرار می‌گیرند. یکی دیگر از ویژگیهای جشنوارهٔ یازدهم ساخت و تولید چند فیلم کیفی و ارزشمند از سینمای جنگ بود. جدای از سه فیلم جنگی فوق، بازی بزرگان ساختهٔ کامبوزیا پرتوی، و زیر آسمان ساختهٔ حسین قاسمی جامی نیز از فیلمهای موفق سینمای جنگ بودند. البته باید یادآور شد که ظهور آثار جنگی ارزشمند جشنوارهٔ یازدهم فجر را نباید به عنوان یک سرآغاز واقعی برای رونق گرفتن سینمای جنگ تلقی کرد چرا که هنوز بخش خصوصی

سینمای ایران به دلیل مشکلات و هزینه‌های بالای تولید فیلمهای جنگی رغبت چندانی به ساختن این نوع فیلم نشان نمی‌دهد. هزینه‌های هنگفت این سینما سبب می‌شود که در حال حاضر فقط بخش دولتی قادر به سرمایه‌گذاری در تهیه این نوع فیلم باشد.

سینماگران قدیمی و با سابقه سینمای ایران نیز در جشنواره یازدهم فیلم فجر آثار خود را ارائه کردند. از اینان داریوش مهرجویی نسبتاً موفقتر بود. سارای مهرجویی براساس نمایشنامه‌ای از هنریک ایبسن، به نام خانه عروسکها شکل گرفته بود. فیلم، تصویرگر فداکاری و ایثار یک زن جوان ایرانی است که با تلاش شبانه‌روزی‌اش سبب نجات جان شوهرش می‌شود و این در حالی است که مرد از فداکاری همسرش بی‌اطلاع است. تمرکز فیلم بیشتر بر روی مایه‌های ملودرام و نیز شخصیت پردازی است. سهم مهرجویی از جشنواره یازدهم یک سیمرخ بلورین برای بهترین فیلمنامه بود. مسعود کیمیایی دیگر کارگردان قدیمی سینمای ایران، با فیلم رد پای گرگ یک بار دیگر علاقه خود را به قهرمان تنها و خسته‌اش که با جامعه اطراف خود همخوانی ندارد، نشان می‌دهد. فیلم کیمیایی همچون دیگر آثارش از یک ضعف مفرط در ساختار روایی رنج می‌برد، هرچند که برای علاقه‌مندان آثار وی «غم غربت» نهفته در فیلمهای کیمیایی بیش از «ساختار سینمایی» اهمیت دارد.

سینماگران با تجربه بعد از انقلاب در جشنواره یازدهم، گرایشهای متفاوتی نشان دادند: اعلامی با دوری جستن از سینمای آرمانی به افعی روی آورد. محسن مخملباف با هنرپیشه بار دیگر تواناییهای هنری و تکنیکی خود را نمایان ساخت. کیانوش عیاری به‌رغم ایرادات فیلمنامه‌ای درآبادانی هانسبت به فیلم قبلیش (دو نیمه سیب) گامی به جلو برداشت. محمد علی سجادی در افسانه مه پلنگ گرچه از حیث ارزشهای زیبایی شناسانه به توفیق رسید اما فیلمش چندان تماشاگر پسند از کار درنیامد. ناصر غلامرضایی، کارگردانی با سابقه طولانی در زمینه ساختن فیلمهای آماتوری در دومین فیلم بلند خود، خون بس به توفیق نسبی رسید؛ غلامرضایی فیلم خود را با بازیگران غیرحرفه‌ای و در لوکیشن - منطقه‌ای دورافتاده در استان لرستان - ساخته است. فیلم، جدای از پاره‌ای ایرادات، به ویژه در زمینه نامفهوم بودن بعضی از دیالوگها، یک اثر انسانشناسانه - یا به قولی قوم شناسانه - است که به سنتها و باورهای دیرپای اهالی منطقه‌ای در لرستان می‌پردازد.

و بالاخره باید به فیلمهای کیومرث پوراحمد و سیروس الوند اشاره کرد: شرم ساخته پوراحمد، براساس مجموعه قصه‌های مجید ساخته شده است. کار پوراحمد یک ویژگی عمده دارد و آن صمیمیتی است که به تمامی پلانهای فیلمش تسری یافته است. با وجود این، فیلم شرم از وجود صحنه‌های تکراری و احیاناً کمی زیاده‌گویی در رنج است.

سیروس الوند در جشنواره یازدهم، گام بلندی به پیش برداشت و آن ساختن فیلم خوش ساخت یکبار برای همیشه بود. این فیلم یک معدل خوب از تمامی عوامل ساختن فیلم را - از کارگردانی و فیلمبرداری گرفته تا موسیقی و تدوین - در بردارد. داستان فیلم در تهران معاصر می‌گذرد و به قولی یک فیلم «خیابانی» است یا بهتر بگوییم یک «نئورئالیسم وطنی». الوند جایزه بهترین کارگردانی جشنواره یازدهم را نصیب خود ساخت.

○ افزایش کمیت فیلمهای ایرانی جشنواره یازدهم مبین این نکته است که صنعت سینمای کشور در سال ۱۳۷۱ بر فعالیت خود در زمینه تولید فیلم افزوده است.

○ با نگاهی گذرا به مجموعه فیلمهای ایرانی به نمایش درآمده در جشنواره یازدهم درمی‌یابیم که دغدغه‌های اقتصادی سرمایه‌گذار فیلم و اعتقاد به تجاری بودن فیلم کاملاً بر کیفیت فیلمها تأثیر داشته است.

○ متأسفانه چنین برمی‌آید که باید در سالهای آتی شاهد نزول کیفی فیلمها و در مقابل رونق گرفتن تولید فیلمهای تجاری بی محتوا باشیم.



محمد حسام و محرم زینال زاده در زیر آسمان

○ یکی دیگر از ویژگیهای جشنواره یازدهم ساخت و تولید چند فیلم کیفی و ارزشمند از سینمای جنگ بود. در نگاهی کلی به فیلمهای ایرانی جشنواره یازدهم فیلم فجر درمی‌یابیم که سینمای ایران در تلاش است تا باتوجه به واقعیتهای اقتصادی، در روش خود تجدید نظر کند. اما هنوز «راه» را نیافته و گویی همچنان در حال تجربه اندوزی است تا بلکه در مسیر آرمانی و دلخواه قرار بگیرد.

○ نسل پنجم عنوانی است بر کارگردانان جوان چینی که در دهه هشتاد با ساختن فیلمهای متفاوت و «غیر حزبی» صدای مردم چین را به گوش جهانیان رساندند.

ژاندارک (۱۹۲۷)، خون آشام (۱۹۳۲)، روز خشم (۱۹۴۳)، کلام (۱۹۵۴)، گرتروود (۱۹۶۴).

ریت ویت گاتاگ (۱۹۲۵ - ۱۹۷۵)، تا قبل از جشنواره یازدهم، چهره ناشناخته‌ای برای سینما دوستان ایرانی بود. فیلمهای گاتاگ یکی دو سال قبل در انگلستان به نمایش درآمد و بدین ترتیب مورد توجه منتقدان انگلیسی قرار گرفت. گاتاگ در یک دوره بیست ساله از (۱۹۵۳ تا ۱۹۷۴) قریب هشت فیلم بلند را کارگردانی کرد. منتقدین غربی وی را یک «نو - نئورئالیست» یا «فرامدرن» لقب داده‌اند و این برجستگی است بر پیشانی فیلمسازی که همواره در تلاش بوده تا با آوردن نمادگرایی اسطوره شناسانه و فرهنگ مردمی و سنتهای موسیقایی هندوستان در کنارهم، پرسشهای اساسی را درباره هویت، ملت، نژاد و طبقه مطرح نماید.

چن کایگه، کارگردان چهل و یک ساله چینی، از برجسته‌ترین کارگردانان نسل پنجم سینمای چین به شمار می‌رود. نسل پنجم عنوانی است بر کارگردانان جوان چینی که در دهه هشتاد با ساختن فیلمهای متفاوت و «غیرحزبی» صدای مردم چین را به گوش جهانیان رساندند. کایگه در سلطان کودکان با سبکی گیرا و شاعرانه تجربه انقلاب فرهنگی را که خود شاهد آن بوده است، بررسی می‌کند. در زمین زرد وقایع مربوط به سال ۱۹۳۹ و ماجراهای یک سرباز ارتشی وفادار به انقلاب در یک روستای دورافتاده چینی به تصویر کشیده شده است. در رژه بزرگ ارتش محور اصلی است. کارگردان با بصیرتی در خور توجه، با استفاده از قوانین حاکم بر نظام تشکیلاتی ارتش به تبیین رابطه فرد با جمع می‌پردازد، و بالاخره تار زندگی آخرین فیلم کایگه، مکاشفهای است در دنیای درونی انسانها و طی



ریت ویت گاتاگ

در نگاهی کلی به فیلمهای ایرانی جشنواره یازدهم فیلم فجر درمی‌یابیم که سینمای ایران در تلاش است تا با توجه به واقعیتهای اقتصادی در روش خود تجدید نظر کند اما هنوز «راه» را نیافته و گویی همچنان در حال تجربه اندوزی است تا بلکه در مسیر آرمانی و دلخواه قرار بگیرد.

در بخش خارجی جشنواره یازدهم، به روال معمول، چندین ده فیلم از سینمای جهان به نمایش درآمد. امسال توجه اصلی بر روی سه فیلمساز بود: کارل تئودور درایر کارگردان دانمارکی، ریت ویت گاتاگ کارگردان هندی بنگلادشی تبار، و چن کایگه فیلمساز مترقی سینمای نوین چین.

دیدن فیلمهای درایر، تحت عنوان «سینمای دینی» فرصت مغتنمی بود برای دوستداران سینما تا با آثار یکی از نخستین سینماگرانی که از «رسانه فیلم» به مثابه یک «رسانه هنری» استفاده کرد، آشنا شوند. از نظر عامه تماشاگران فیلمهای درایر سنگین، تیره و خفه به نظر می‌رسند. اما نکته اینجاست که این سنگینی و تیرگی برآمده از طبیعت و ماهیت مضمونهایی است که وی دستمایه قرار داده است. درایر هرگز سعی نکرده که تماشاگر را متقاعد سازد که زندگی گسترده‌ای از گلهای سرخ است. در دنیای او بیش از هر چیز رنج، شرارت، مرگ و عذاب به چشم می‌خورد اما در عین حال نوعی ایمان خوشبینانه به پیروزی روح انسانی در آثارش متجلی است. از دیدگاه درایر همراه بامرگ، آزادی نیز می‌آید. فیلمهای او فراسوی بدخواهی است. هفت فیلمی که از درایر در جشنواره یازدهم به نمایش درآمد عبارت بودند از: صفحاتی از کتاب شیطان (۱۹۱۹)، ارباب خانه (۱۹۲۵)، مصائب



چن کایگه، فیلمساز چینی

فیلم یک بار برای همیشه

بهترین فیلمنامه: سیمرغ بلورین به داریوش مهرجویی برای فیلمنامه

سارا

بهترین فیلمبردار: سیمرغ بلورین به رضا رضی فیلمبردار فیلم پرواز

را به خاطر بسپار

بهترین موسیقی متن: سیمرغ بلورین به کیوان جهانشاهی برای

موسیقی فیلم سایه‌های هجوم

بهترین تدوینگر: سیمرغ بلورین به مهدی رجاییان برای تدوین فیلم

رد پای گرگ

بهترین بازیگر نقش دوم مرد: سیمرغ بلورین به جهانبخش سلطانی

برای بازی در فیلم شرم

بهترین بازیگر نقش دوم زن: سیمرغ بلورین به یاسمین ملک نصر

برای بازی روان و یکدست در فیلم سارا

بهترین صداگذاری: سیمرغ بلورین به محسن روشن برای صداگذاری

فنی فیلم بر بال فرشتگان

بهترین صداپردازی: سیمرغ بلورین به جهانگیر میرشکاری و ساسان

باقرپور برای صداپردازی دقیق سرصحنه در فیلم هنر پیشه

بهترین جلوه‌های ویژه: سیمرغ بلورین به رضا و مصطفی رستگار

برای خلق جلوه‌های ویژه مهیج در فیلم بر بال فرشتگان

بهترین چهره پردازی: سیمرغ بلورین به مسعود ولدبکی برای چهره

پردازی واقمگرایانه شخصیت‌های فیلم از کرخه تا راین

بهترین صحنه‌آرایی: سیمرغ بلورین به رضا علاقه‌مند و سعید مترصد

برای صحنه‌آرایی منطبق با سبک در فیلم هنرپیشه

بهترین فیلم دوم: جایزه ویژه به فیلم خون بس به کارگردانی ناصر

غلامرضایی

بهترین فیلم اول: سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول به طور مشترک به

احمد امینی، برای کارگردانی فیلم سایه‌های هجوم و جواد شمقدری برای

کارگردانی فیلم بر بال فرشتگان

بهترین بازیگری کودکان و نوجوانان: دیپلم افتخار به نیاز طارمی

برای بازی در فیلم مریم و میتیل و دیپلم افتخار به مهدی باقریگی (مجید)

برای بازی در فیلم‌های شرم و صبح روز بعد

بوترینه‌های دفاع مقدس: امسال بخشی از جوایز به فیلم‌هایی که با

مضمون دفاع مقدس تولید شده بودند، اختصاص یافته بود. در این بخش،

دیپلم افتخار و جایزه نقدی برای کارگردانی و تدوین فیلمنامه، به فیلم‌های

زیر اهداء شد: زیر آسمان، سایه‌های هجوم، بر بال فرشتگان، آتش در

خرمن، بازی بزرگان، از کرخه تا راین.

بهترین پوستر سینمایی: سیمرغ بلورین به منوچهر عبدالله زاده برای

فیلم گروهان

بهترین عکس: سیمرغ بلورین به میترا محاسنی برای تهیه عکس‌های

فیلم ناصرالدین شاه آکتور سینما

بهترین نمونه کوتاه فیلم: سیمرغ بلورین به ایرج گل افشان به خاطر

تولید انونس فیلم پوتین.



کارل ثودور دربار کارگردان دانمارکی

طریقی که انسان را به سوی حقیقت یا لافل «دیدن» رهنمون می‌کند.

در بخش دیگری از جشنواره، هشت فیلم از استادان درگذشته سینمای ایتالیا به نمایش درآمد. غالب فیلم‌های این بخش از سینماگران نورنالیست ایتالیا بود که بین سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۶۶ ساخته شده بود.

«ریشه در باد» نام بخش تازه‌ای در جشنواره یازدهم بود که طی آن یازده فیلم از سینماگران مهاجر به فرانسه به نمایش درآمد. بهترین فیلم از این مجموعه مدراتور کاتابیله ساخته فیلمساز انگلیسی پیتر بروک بود که با استقبال گسترده تماشاگران روبرو شد.

و بالاخره در دو بخش «جشنواره جشنواره‌ها» و «بخش ویژه» چندین فیلم دیدنی از سینماگران معاصر به نمایش درآمد. غالب فیلم‌های این دو بخش در چندین جشنواره جهانی شرکت کرده بودند. اگر بخواهیم چند فیلم شاخص این دو بخش را یادآور شویم، می‌توانیم به فیلم‌های اروپا ساخته لارنس فون تریر، بیگانه ساخته ساتیا جیت رای و سرهنگ ردل ساخته ایشوان زابو اشاره کنیم. فیلم اروپا با ساختار بدیع و حیرت انگیزش بدون تردید در بین فیلم‌های خارجی جشنواره یازدهم شگفتی آفرین بود.

نتایج پایانی یازدهمین جشنواره فیلم فجر

مراسم پایانی جشنواره یازدهم فیلم فجر با سخنان معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آقای فخرالدین انوار، آغاز شد. وی با تأکید بر تهاجم فرهنگی غرب، خواستار پشتیبانی معنوی و مادی از هنرمندان سینما شد. سپس دکتر لاریجانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، طی سخنان خود با تأکید بر هنر اصیل و واقعی اعلام کرد که در سال ۱۳۷۲ هفتاد میلیارد ریال برای فعالیتهای فرهنگی و هنری در نظر گرفته شده است. وی اضافه کرد که اهم این بودجه مصروف خلق آثار خواهد شد که به فرهنگ خودی و اسلامی پردازد، و پس از آن سید مرتضی آوینی، به نمایندگی از سوی هیأت داوران جشنواره یازدهم فیلم فجر بیانیتهای هیأت داوران را قرائت کرد.

هیأت داوران جوایز یازدهمین جشنواره فیلم فجر را به هنرمندان رشته‌های مختلف سینما به شرح زیر اهدا کرد:

بهترین فیلم: سیمرغ بلورین به تهیه کننده فیلم از کرخه تا راین ساخته ابراهیم حاتمی کیا

بهترین کارگردانی: سیمرغ بلورین به سیروس الوند برای کارگردانی